

جوابیه (لطفا تا آخر این متن رو بخونین و حتما در موردش نظر بدین)

دوستان سلام

نمیخواستم به این زودی آپ کنم اما اتفاقی افتاد که مجبور شدم. اونم نوشته ی لرد ماتریس عزیزه که تقریبا خواسته ابروی منو ببره. خب پس منم باید از خودم دفاع کنم. اول از همه اینکه دوستانی که داستان من رو در وبلاگ خاطرات لوسیوس میخواندن میدونن که این داستان حدود یک سال و نیم پیش نوشته شده و من به علت کمبود وقت در تایپ عقب افتادم. خودتون حساب کنین ناجینی چند هفته از اون وبلاگ رفته و من چند هفته این وبلاگ رو زدم؟

درست سه ماه قبل از رفتن ناجینی.

لرد ماتریس عزیز جهت اطلاعاتتون من الان فصل 48 داستانم رو هم تموم کردم... و داستان از نظر نوشتاری چند ماهه تموم شده.

میتونم قسم بخورم که تا همون شب که پیغامتمو تو وبلاگم ندیده بودم داستانم رو نخونده بودم (میخواه باور کن یا نه).

چون من تمام سعیم رو میکنم که کارم شبیه کار دیگران نباشه پیشگو هم نبودم که داستان نوشته ی شما رو پیش بینی کنم.

ولی دیشب تا صبح بخاطر این موضوع داستانم رو خوندم و میتونم بگم جوش نزن هیچ ربطی به هم نداره.

ضمن اینکه این حلقه نقش خاصی تو داستان من نداره جز این که راه رسیدن هری به چیزیه که بعدا میفهمین. ضمن اینکه این حلقه ی گریفندور نیست حلقه ی هاگوارتز (هر چهار حلقه با هم) که با نبود اسلایترین سه حلقه بخاطر پیمان دوستی گریفندور با هم ادغام شده.

من عمدا کامنت های لرد ماتریس رو پاک نکردم تا همه بخوننو میخواستم عین جملات ایشون در وبلاگشون رو اینجا بذارم تا بخونین اما من با دوستانم این کارو نمیکنم. هر چند اون موقع بدجوری عصبی بودم.. کامنت هاشونو هم خوندین و متوجه شدین هر چی دلش خواسته بار من کرده خب دمش گرم. البته منم یه جوابیه ی آتیشی حاضر کرده بودم که به علت اینکه این دوست عزیز متوجه اشتباهش شد اونو نمیذارم. فقط در همین جا میگم شباهت این فصل (ماجرای حلقه) کاملا سهوی بوده اما اگه شما سه فصل بعدی داستان رو بخونین تایید میکنین که هیچ ربطی به داستان لرد ماتریس عزیز نداره.

لرد ماتریس عزیز اگه با داداش مشکل داری برو به خودش بگو اما هر شمشیری شمشیر داستان تو نیست همونطوری که هر حلقه ای حلقه ی داستان من نیست. اول کاربردشو ببین بعدا نظر بده. دو سه فصل صبر کن میفهمی. من نه کپی رایت میکنم نه تقلب. این داستان بیشتر از یک ماهه که نوشتنش تموم شده. همونطور که گفتم هیچ ربطی هم به گریفندور و حلقه نداره. ماجرای حلقه برای آوردن شخصیت مورد علاقه ی من به داستانه (مجبور شدم لو بدم). یه چیز دیگه من شخصا ده تا کتاب در مورد دنیای جادویی خوندم که توش مدرسه ی جادوگری هم بوده پس رولینگ هم یه متقلب بزرگه!؟

در هر حال اگه لحن من تند بود معذرت میخوام من یه کم آتیشی هستم ببخشید.